

نظری به جایگاه ماه مبارک رمضان و ایام روزه در دیوان

مثنوی مولوی

سیامند قادری*

چکیده

در ماه پر فیض رمضان خداوند، رحمت را به انسان ارزانی می‌دارد و او را به میهمانی خویش تشریف می‌دهد و بر خوان کرم خویش افتخار حضور می‌بخشد. به این دلیل، هر گونه رفتار و گفتار و پنداری که ما را از مقام حضور دور می‌سازد و حاکی از غفلت و گمراهی و بی‌پروایی است، در این چند روز ماه پرفیض، باید از بین برود؛ چون با میهمانی خدا سازگاری ندارد. در این پژوهش، از ماه رمضان و ایام روزه خلوص در برابر حق و بازتاب آن در کلام مولانا، که در مثنوی و دیوان شمس ظهور نموده است، سخن به میان می‌آید و معنای واقعی ماه رمضان و دیدگاه روانشناسانه حضرت مولانا در بیان الفاظ نافذ و تأثیرگذار، که بر دل هر آدمی تأثیر مثبت می‌نهد، بحث و بررسی می‌شود و ابیاتی زیبا از آن عارف واصل به حق، ذکر می‌گردد. این مقوله در دیوان مثنوی اگرچه در ابیات کمی بحث شده، اما چنان زیبا و استوار بیان گردیده که در دل هر خواننده‌ای تأثیر فراوان به جای می‌نهد. این در غزلیات پرشورش نیز صادق است. مولانا در غزلیات خود، با استفاده از وزن عروضی پرشور و آهنگین خاصی، توانسته از ذوق روانشناسانه خود استفاده کند و هر چه بهتر، ضرورت روزه و گرامیداشت ماه مبارک رمضان را به خواننده اشعارش یادآور گردد. اینها مباحثی است که در این پژوهش بدانها اشاره می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ماه رمضان، روزه، مولوی، مثنوی

مقدمه

با سپاس و درود فراوان، به بارگاه پروردگاری که پیامبران را راهنمایان بشر قرار داد و در میان آنان خواجه لولاک، محمد مصطفی (ص) را برگزید تا مهتر بشریت باشد و بعد از وی، بزرگوارانی قرار داد تا در کوره راههای نادانی و بی‌خبری، بشر را مدد رسان باشند. ستایش از آن مقام کبریایی حق و حقیقت است که نعمت بزرگ و بیحد و رحمت پرفیض و کرم روزه را به بندگان خود ارزانی فرمود تا بدان، وسوسه‌های شیطانی را از مؤمنان دور گرداند و این ایام پرفیض و کرم را برای محبتان حضرتش، به مثابه دیواری حصین و سپری بس عظیم قرار داد. «آن هنگام که شیطان عزم گمراهی انسان را نماید، دو ابزار را مدنظر قرار دهد، که عبارتند از شهوت و خشم، چون غوغای خشم و فریاد شهوت که از جمله لشکریان قوی نفس اماره هستند، به وسیله سلاح روزه، مقهور و مغلوب می‌شوند، سلطان نفس مطمئنه در ولایت باطن آدمی، مظفر و منصور گردد.»^۱

در ماه پرفیض رمضان، خداوند رحمت را به انسان ارزانی می‌دارد و او را به میهمانی خویش تشریف می‌دهد و بر خوان کرم خویش افتخار حضور می‌بخشد. به این دلیل، هر گونه رفتار و گفتار و پنداری که ما را از مقام حضور دور سازد و حاکی از غفلت و گمراهی و بی‌پروایی است، در این چند روز ماه پرفیض، باید از بین برود؛ چون با میهمانی خدا سازگاری ندارد. «از این رو، نباید راضی باشیم و بپسندیم که بر خوان عنایت او و بر خانه ضیافت او - همو که ما را به این میهمانی، تشریف داده است و همو که بر همه خاطرات و خطرهای ما و بر همه افکار و اندیشه‌های ما آگاهی دارد - بنشینیم، در حالی که او پروای ما را داشته باشد و ما پروای او را نداشته باشیم؛ او به یاد ما باشد و ما از او غافل باشیم؛ او به ما رو کند و ما از او رویگردان باشیم، که به حقیقت، چنین رفتاری آن چنان ناروا و چنین شیوه‌ای، آن چنان ناپسند است که هرگز هیچ عاقل نمی‌پسندد و روا نمی‌دارد که یکی از دوستانش با او چنین برخوردی داشته باشد. البته، خداوند از روی فضل و کرم و مهر و لطفی که به بندگان خویش دارد، این رفتارهای ناپسند و این غفلتهای ناروا را حرام

نشمرده و از روی مسامحه، بر بندگان خویش کمتر از آنچه می‌توانند، تکلیف نهاده است و از روی آسانگیری از پاره‌ای از آنچه می‌توانند به جای آورند و به جا نمی‌آورند، چشم پوشیده است^۱».

در اینجا نباید اعمال بندگان مقرب خدا را فراموش کرد که آنها نیز، هرگز روا نمی‌دارند که با خداوند خالق و کریم خود، چنین برخورد ناروایی داشته باشند. در هر کاری آن گونه عمل می‌نمایند که خدایشان امر فرموده است. آن عده که حق بندگی را رعایت نمی‌کنند و غیر این اعمال را انجام می‌دهند، جزو دونمایه‌ها به حساب می‌آیند که به طور قطع، در ضرر و زیان هستند.

در این پژوهش، از ماه رمضان و ایّام روزه خلوص در برابر حق و بازتاب آن در کلام مولانا، که در مثنوی و دیوان شمس ظهور نموده است، سخن به میان می‌آید. معنای واقعی ماه رمضان و دیدگاه روانشناسانه حضرت مولانا در بیان الفاظ نافذ و تأثیر گذار که بر دل هر آدمی تأثیر مثبت می‌نهد، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

ماه مبارک رمضان، ماه ضیافت باری تعالی

در میان ماههای قمری اسلامی، ماه رمضان، نهمین ماه به حساب می‌آید. این را هم باید متذکر شد که در قرآن کریم، تنها به نام این ماه پرفیض اشاره گردیده است و این نشاندهنده ارزش این ماه در دین مبین اسلام است و این خود التفاتی مخصوص از جانب پروردگار، به این ماه است. «نزل قرآن، سبب برتری این ماه، بر دیگر ماههاست؛ زیرا قرآن منشور و دستوری است که پیامبر خدا با آوردن آن از جانب خدا، متکفل رهایی انسانها از افکار بیهوده جاهلیت گردید و سبب ساز شد تا انسان در پرتو آن به سعادت دنیا و آخرت نایل آید. قرآن، قانون اساسی استواری است که با تبیین بایدها و نبایدها، انسان را از یورش تاریکی و جهل در امان می‌دارد، صبح سعادت و حیات طیبه را برای او به ارمغان می‌آورد. قرآن، بالاترین قانون، محکم‌ترین وسیله فلاح و رستگاری، کارآمدترین نسخه درد، شاه کلید مشکلات،

روشن‌ترین نشانه‌ی هدایت، جامع علوم و معارف و حکم و راهی مطمئن برای نیل به آرمانهای مقدس انسانی - الهی است^۴»

«رمضان» در لغت، سنگ گرم معنی می‌دهد. در فرهنگ غیاث اللغه چنین آمده است: «از سنگ گرم، پای روندگان می‌سوزد و شاید که به وقت وضع این اسم، ماه صیام در شدت گرما باشد و یا مأخوذ است از «رمض» که به معنی سوختن است، چون ماه صیام گناهان را می‌سوزاند؛ لهذا به این اسم مسمی گشت و یا آنکه مشتق از رمض است و معنی رمض سوخته شدن پای از گرمی زمین، چون ماه صیام موجب سوختگی و تکلیف نفس است.^۵» انتخاب چنین واژه‌ای در واقع، از دقت نظر و لطافت خاصی برخوردار است؛ چونکه سخن از گداخته شدن است و یا دگرگون شدن در زیر آفتاب گرم و سوزان نفس و تحمل نمودن ضربات بی‌امان آن. چون در این ماه، شرط اصلی، تحمل شداید، عطش و سختیهای راه پرنمرش است؛ عطشی که ناشی از آفتاب سوزان یا گرمای شدید ایام روزه‌داری است، که در واقع، گرمایش بیشتر به نظر می‌آید. این را هم نباید فراموش کرد که گرمای آفتاب روز و گرمای مبارزه با نفس اماره، متفاوت است. «در مقایسه این دو سوز، دقیقاً رابطه عکس برقرار است، بدین مفهوم که نفس سرکش، با چشیدن آب، تشنه‌تر می‌گردد و هرگز به یک جرعه بسنده نمی‌کند و پیوسته آدمی را در تلاش خستگی ناپذیر، جهت ارضای تمایلات خود، وا می‌دارد^۶». از سوی دیگر، عطش ناشی از سوزش آفتاب عالمتاب سوزان، سیری‌ناپذیر است.

مولانا این مورد را در دیوان مثنوی با مهارت و لطافت بسیار، با تشبیهی زیبا بیان می‌دارد و می‌فرماید:

گفتم ای دل آینه کلی بجو	رو به دریا کار نآید بجو
زین طلب بنده به کوی تو رسید	درد مریم را به خرما بن کشید

(مثنوی، ۹۸/۲-۹۹)

باز در جایی دیگر با بیان تشبیهی دیگر، هدف خود را از آب، هوا و هوسهای نفسانی در نظر می‌گیرد و می‌فرماید:

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست

تا سقا هم ربهم آید جواب تشنه باش الله اعلم بالصواب

(منوی، ۳۲۱۲/۲-۳۲۱۳)

ماه رمضان ماه برکت و رحمت است، ماهی است که بشر گناهکار، توبه‌اش پذیرفته می‌شود. در این ماه پرفیض، برگشت از معاصی گذشته، بهترین کار انسان است. «هر کسی در ماه رمضان آمرزیده نشد و از غفران بی‌پایان الهی بهره‌ای نگرفت، پس در چه ماهی آمرزیده می‌شود؟ پس بخواهید و سؤال و استغاثه کنید از خدا که تا روزه شما را در این ماه رحمت، قبول کند و این ماه را آخرین رمضان شما قرار ندهد و شما را در این ماه به طاعت خویش موفق بدارد، از معاصی خویش حفظتان کند که به راستی او بهترین مسئول است که شما از او سؤال می‌نمایید که به خوبی قادر به ادای حوایج شماست». در توصیف این ماه پراچ سخنها رفته و کتابها نگاشته شده است، در اینجا باید گفت: این ماه، ماه مساوات و برابری است و ماهی است که برای مؤمن بهره و منفعت به همراه دارد و رزق او زیاد می‌گردد. اولش رحمت و وسطش بخشش و آمرزش و آخرش آزادی و رستگاری از آتش سوزان و بی‌تحمل جحیم است. در این ماه مؤمن و منافق از هم جدا می‌شوند، که مسلماً برای منافق و مشرک، ضرر و زیان به همراه دارد.

رحمت عالمیان، حضرت محمد (ص)، ماه رمضان را ماه رفتن بندگان به میهمانی خدا می‌داند. در هر میهمانی، اصول و قواعد و حرکت‌هایی وجود دارد که میهمان و میزبان آن را رعایت می‌کنند و این اصول دارای اهمیت بسزایی است. حتی ارزش و مقام میهمان و یا خود میزبان نیز در نحوه اجرای این مراسم، خود حایز اهمیت است. خود دعوت کننده، «هر چه از لحاظ رتبه و مقام، والاتر باشد، میهمانی از اهمیت بیشتری برخوردار است و دعوت به آن، سند افتخاری است برای میهمان، از این رو، باید آداب و رسوم بیشتری را مدتظر داشت. مدعو باید در پوشیدن جامه، دقت لازم را مبذول دارد، در طول میهمانی ادب و نزاکتی که بایسته شخصیتش است، رعایت نماید و حرمت داعی را متناسب با مقام و منزلتش پاس دارد. حال، مابندگان خدا به میهمانی خداوند، فرا خوانده شده‌ایم و می‌خواهیم که بر سفره احسان بیکران باری تعالی جلوس کنیم. هم داعی و هم مکان دعوت - از هر حیث - ممتاز است، پس باید

رعایت یک سری نکات را نمود و خود را به تمام معنا، مهیا کرد تا علاوه بر شأنیّت یافتن برای این دعوت، بهره‌ لازم را از این خوان گسترده، برد^۷».

حدیثی از پیامبر نقل شده است در مورد رحمت پروردگار، که آن بزرگوار توصیه می‌نمایند به فیض بردن از آن موهبت الهی، ایشان چنین می‌فرمایند: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي آيَاتِهِ دَهْرٌ كُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا تَعْتَرُّ سُؤَالَهَا فِي طَوْلِ زَنْدَجِي شَمَا، نَسِيمَاهِي أَرْحَمَ بِرُورِدِ گَارَتَانِ مِي وَزِد. هَان! خُود رَا دَر مَعْرَضِ أَنَهَا قَرَار دَهِيْدُ»^۸.

مولانا نیز در از دست ندادن فرصت فرا رسیدن این ایام خداوندی، که موهبت بزرگی از جانب حق است، این سخن پرارزش پیامبر (ص) را بر دیده سر می‌نهد و با بیانی زیبا و شاعرانه چنین مطرح می‌نماید :

گفت پیغمبر که نَفَحَتِهَايِ حَقِّ	اندرین ایام می‌آرد سبق
گوش وهش دارید این اوقات را	در زباید این چنین نَفَحَاتِ رَا
نَفْحَه آمَد مَر شَمَا رَا دِيْد و رَفْت	هر کرا می‌خواست جان بخشید و رفت
نَفْحَهٔ دِيْگَر رَسِيْد آگَاه بَاش	تا ازین هم و انسانی خواجه وش ...
ورنه خود اشْفَقْن مَنهَا چُون بُدِي	گرنه از بیمش دل گه خون شدی

(مثنوی، ۱۹۵۳/۱-۱۹۶۱)

روزه، دروازهٔ عبادت و عامل بازدارنده از گناه

هر چیز با ارزشی برای رسیدن به گنه آن باید از حصار و در آن عبور کرد. روزه نیز همانند دری است در اول راه عبادت حق. به عبارتی هر شخص مؤمنی که به این عبادت پربرکت، یعنی روزه، دسترسی پیدا کرد و سختیهای آن را با دل و جان تحمل کرد، هر گونه عبادت دیگر بر وی سهل و آسان می‌گردد. به صراحت می‌توان گفت، راهی برای سهل گشتن آن، به جای آوردن نماز است. انسان برای نایل شدن به خودسازی و رشد و شکوفایی اندیشه، باید با روزه کار خود را شروع نماید. بهترین وسیله برای سالم ماندن از شر آفات و بیماریها، روزه گرفتن است که این در سخنان بزرگان دین مبین اسلام بارها و بارها با شیوه‌های زیبا ذکر گردیده است. در این خصوص پیامبر می‌فرماید: «صَوْمُؤُا تَصِحُّوْا، رُوزَه بَگِيْرِد تَا سَالَم شُويْد.»^۹

در علوم امروزی نیز این مسأله مطرح شده است و می‌گویند: جایگاه تمام دردها معده است. پیامبر اعظم (ص) نیز، برای رفع دردهای موجود در بدن، تنها راه را در خانه تکانی معده می‌دانند و منظور از آن به جای آوردن امر روزه است. «الْمِعْدَةُ تَيْتُ كُلَّ دَاءٍ، وَالْحَمِيَّةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ. معده خانه هر دردی و پرهیز رأس هر دوایی است.»^{۱۰}

روزه دارای کیفیتی است که، روح معنوی و اعتقاد ایمانی انسان را تقویت می‌نماید. اراده او را در خودداری از گناه، قوی و نیرومند می‌کند و بر افکار انسان اثر می‌گذارد تا احوال روز قیامت را بهتر درک نماید. انسان همواره در معرض فراموشی قرار دارد، از این رو، همیشه لازم است که در معرض بند و اندرز قرار بگیرد تا از این فراموشی به آگاهی برسد و در اعمال و رفتار خود راه مراقبه را بپیماید. «گرسنگی کشیدن - که پیداترین رکن روزه است - برای سالک مراقب و راهرو راه خدا، بهره‌های فراوان و بی‌شماری در پی دارد، هم از نظر معرفت و شناخت خداوند و هم از نظر پرورش معنوی و کمال نفسانی، در فضیلت آن در اخبار و احادیث نیز، سخنان بسیار آمده است»^{۱۱}.

مولانا، در بیان عظمت روزه، با شیوه‌ای زیبا و لطیف، در دیوان کبیر شمس غزلی می‌آورد، با وزنی زیبا و جان افزا و با دیدگاهی روانشناسانه، با هدف تشریح ایّاه روزه و تأثیر مثبت در دل انسان.

سوی اطفال بیامد به کرم مادر روزه مهل ای طفل به سستی طرف چادر روزه
بنگر روی ظریفش بخور آن شیر لطیفش به همان کوی وطن کن بنشین بر در روزه
بنگر دست رضا را که بهارست خدا را بنگر جنت جان را شده پر عبهر روزه ...
ز چه ای عاشق نانی، بنگر تازه جهانی بستان گندم جانی، هله از بیدر روزه^{۱۲}

«در مورد سبب تشریح روزه، حق آن است که بگوییم؛ هر حکمی از دین پروردگار جهانیان دارای علل و اسبابی است که برخی از آنها را خداوند، برای بیش بازگو نموده است. اما علل واقعی بسیاری از احکام از دید بشر، پوشیده مانده است واقع شدن این علل در پرده ابهام، سبب ساز این نیست که بشر، دست ا

فرمانبرداری بکشد و اعلام دارد که تا من پی به اسباب حقیقی حکم نبرم، فرمان خدا را نخواهم برد؛ زیرا دین، یعنی فرمانبرداری و انقیاد تاّم به شریعت^{۱۳}».

در مورد اینکه روزه یکی از عبادتهای واجب خداوند است، شکی نیست. هدف اصلی از اجرای آن، به دست آوردن تقوا و دوری از محارم در این ماه و نگه داشتن رضایت خالق باری تعالی به دلیل نشان دادن عبودیت به حقّ آن بزرگ بی‌همتا و عبادت در معنای واقعی خود است. «مفهوم عبادت به نظر ارباب تصوّف، غیر از آن است که علمای عامّ و اهل ظاهر می‌گویند. عبادت به نظر علمای ظاهر نوعی مزدوری است؛ زیرا برای صلّه و پاداش یا پیروی از حکم و یا ادای تکلیف است که اگر تخلّف شود بیم عذاب می‌رود، امّا عبادت در اصطلاح تصوّف آن است که صرفاً به انگیزه محبّت الهی بدون هیچ طمع و خوف باشد^{۱۴}».

مولوی می‌فرماید:

هر کسی کوشد به مالی با فسون	چیست دارم گوهری در اندرون
گوهری دارم ز تقوی یا سخا	این زکات و روزه در هر دو گوا
روزه گوید کرد تقوی از حلال	در حرامش دان که نبود اتصال ...
هست گر به روزه‌دار اندر صیام	خفته کرده خویش بهر صید خام
کرده بدظن زین کزی صد قوم را	کرده بدنام اهل جود و صوم را
فضل حق با اینکه او کز می‌تند	عاقبت زین جمله پا کش می‌کند

(مثنوی، ۱۸۷/۵-۱۹۵)

با روزه گرفتن در این ماه پر فیض، اصلاح نفس آسان می‌گردد. به دلیل اینکه گرسنگی و تشنگی و دیگر محرومیت‌های روزه، شعله‌های غرایز حیوانی را خاموش می‌کنند. مولوی می‌فرماید:

این دهان بستی، دهانی باز شد	که خورنده دانه‌های راز شد
گر ز شیر دیو تن را وا بری	در فطام او بسی نعمت خوری

(مثنوی، ۳۷۴۷/۳-۳۷۴۸)

باز می‌توان به ابیاتی در دفتر پنجم اشاره نمود که می‌فرماید :

جوع مر خاصّان حقّ را داده‌اند تا شود از جوع شیر زورمند

نظری به جایگاه ماه مبارک رمضان و ایام روزه در دیوان مثنوی مولوی / ۱۳۳

جسوع هر جلف گدا را کی دهند چون علف کم نیست پیش او نهند
(مثنوی، ۲۸۳۹/۵-۲۸۴۰)

از آثار روزه‌داری، کم خوری و پرهیز از خوردنیها، صفای دل یافتن و تیز فهم شدن است؛ «زیرا از پر خوری و سیری، حالتی مستی گونه به آدمی دست می‌دهد که در اثر آن فهم، سنگین و کند می‌گردد و سرعت انتقال و زود فهمی از دست می‌رود و در نتیجه، قلب، کور می‌گردد و گرسنگی به عکس، ذهن را تیز می‌نماید، به ضمیر تمییز می‌دهد و دل را برای پذیرش معرفت، آماده می‌سازد»^{۱۵}.

دلیل تأثیر کلام سحر آمیز مولوی، در دل انسان

یکی از دلایل نفوذ و جاذبیت کلام مولانا، معرفتهایی است که، «وی ابراز می‌دارد عقل و دل او هماهنگی جدی در طرح آن نشان می‌دهد، به طوری که بررسی کننده، معرفت حاصل از آن مطالب را در درون خود شهود می‌کند و در می‌یابد.»^{۱۶}
مولانا به مانند دیگر عارفان، می‌دانسته است که اساس معرفت و معنویت بر درونگرایی است. از این رو می‌بینیم که، «عارفان از دل به "انسان کییر" و از عالم هستی به "انسان صغیر" تعبیر کرده‌اند. در مکتب عرفانی، دل از همه جهان بزرگ‌تر است. مولانا می‌گوید :

گر تو آدم زاده‌ای چون او نشین جمله ذریات را در خود بین
چیست اندر خم که اندر نهر نیست چیست اندر خانه که اندر شهر نیست
این جهان خم است و دل چون جوی آب این جهان حجره‌ست و دل شهر عجب
(مثنوی، ۸۰۹/۴-۸۱۱)

اساس عارفان، بر درونگرایی و توجه به باطن و انصراف از بیرون است و نفی می‌کند حتی ارزش بیرون را، به عنوان این که حق را بشود از جهان بیرون به دست آورد»^{۱۷}.

اشارات مولانا در مثنوی به ماه مبارک رمضان و ایام روزه

مولانا، در ارزش بر پای داشتن نماز و روزه و فرایض دینی توسط مؤمنان و فرق آن با عبادات منافقان، چنین می‌گوید:

آن منافق با موافق در نماز	از پی استیزه آید نی‌نیاز
در نماز و روزه و حج و زکات	با منافق مؤمنان در بُرد و مات
مؤمنان را بُرد باشد عاقبت	بر منافق مات اندر آخرت
گرچه هر دو بر سر یک بازیند	هر دو با هم مروزی و رازیند...
هر که در جان خدا بنهد محک	مر یقیسن را باز داند ز اعتبار

(مثنوی، ۱/۲۸۵-۳۰۰)

انسان، در هنگام فرا رسیدن مصیبت و اندوه، که از قضای بد هراسان می‌شود، به خدا پناه می‌برد. مولانا هم، جهت رهایی از غم و درد ایّام سوء قضا، به انسان، چنین توصیه می‌کند:

چون قضا آید نیننی غیر پوست	دشمنان را بازنشناسی ز دوست
چون چنین شد ابتهاال آغاز کن	نالاه و تسبیح و روزه ساز کن
نالاه می‌کن کای تو علام الغیوب	زیر سنگ سکرِ بد ما را مکوب
گر سگی کردیم ای شیر آفرین	شیر را مگمار بر ما زین کمین
آب خوش را صورت آتش مده	اندر آتش صورت آبی منه

(مثنوی، ۱/۱۱۹۴-۱۱۹۸)

بزرگ‌ترین رکن از ارکان بازگشت از گناهان، توبه به درگاه حقّ است و باری تعالی توبه از راه خلوص دل را، از بندگان خود پذیراست. شرط آن عدم بازگشت به معاصی و محارم در طول زندگی این جهانی است. ایّام ماه مبارک رمضان بهترین موقع برای طلب مغفرت و بازگشت به راه حقّ است. انسان باید با خلوص نیت راه رستگاری را طی نماید و به او توکل کند، به امید رضایت حقّ تعالی.

همان طور که می‌دانید، بزرگ‌ترین جهاد در دین اسلام، جهاد اکبر، که همانا مجاهده و مبارزه راستین و بی‌پروا با نفس اماره بالسوء است. ایّام ماه رمضان بهترین موقعیت برای اجرای چنین تصمیمی است. این نفس پلید، انسان را از راه راست دور می‌سازد. مولانا می‌فرماید:

مشورت با نفس خود گر می‌کنی	هرچ گوید کن خلاف آن دنی
گر نماز و روزه می‌فرمایدت	نفس مکارست مگری زایدت
مشورت با نفس خویش اندر فعال	هر چه گوید عکس آن باشد کمال
بر نیایی با وی و استسیز او	رو بر یاری بگیر آمیز او
عقل قوت گیر از عقل دگر	نی شکر کامل شود از نی شکر
من ز مکر نفس دیدم چیزها	کو برد از سحر خود تمییزها

(مثنوی، ۲۲۷۴/۲-۲۲۷۹)

«جهاد با نفس، که حجاب و پرده‌ای بزرگ‌تر و ترسناک‌تر از نفس و هوا بین بنده و پروردگار وجود ندارد و برای نابود ساختن و قطع این دو، سلاح و آلتی مثل نیازمندی و احتیاج به درگاه الهی، خشوع و ترس از خدا و روزه و شب زنده‌داری نیست. نفس است که به وسیلهٔ مشتتهیات و آرزوهایش، چه انسانها بیچاره و رسوا و خوار گشتند و نفس، انجام آن را لجام زد و باعث تنزل و بدبختی آنان شد»^{۱۸}. مولانا در خصوص نفس پلید، چنین می‌فرماید:

ای شهان کشتیم ما خصم برون	ماند خصی زو بتر در اندرون
کشتن این کار عقل و هوش نیست	شیر باطن سخرهٔ خرگوش نیست
دوزخیست این نفس و دوزخ اذدهاست	کو به دریا نگردد کم و کاست
هفت دریا را در آشامد همنوز	کم نگردد سوزش آن خلق سوز ...
چونکِ واگشتم ز پیکار برون	روی آوردم به پیکار درون
قَدَرَجَعْنَا مِنَ جَهَادِ الْأَصْغَرِ	با نبیّ اندر جهاد اکبریم

(مثنوی، ۱۳۷۳/۱-۱۳۸۷)

نماز و روزه و همهٔ اعمال بیرونی، که از انسان سر می‌زنند، همه برو وجود نوری فراگیر و قوای درونی نهاد آدمی گواهی می‌دهند و از اعتقاد سرشار به بارگاه احدیت سرچشمه می‌گیرند. مولانا این موارد را با اشعاری زیبا چنین بیان می‌کند :

این نماز و روزه و حج و جهاد	هم گواهی دادن است از اعتقاد
این زکات و هدیه و ترک حسد	هم گواهی دادن است از سر خود
خوان و مهمانی پی اظهار راست	کای مهان ما با شما گشتیم راست

شد گواه آنک هستم با تو خوش	هدیه‌ها و ارمغان و پیشکش
چیست دارم گوهری در اندرون	هر کسی کوشد به مالی با فسون
این زکات و روزه در هر دو گواه	گوهری دارم ز تقوا یا سخا
در حرامش دان که نبود اتصال	روزه گوید کرد تقوا از حلال

(مثنوی، ۱۸۳/۵-۱۸۹)

مولانا با بیانی زیبا، انسان روزه‌دار را به صبر و شکیبایی دعوت می‌نماید و از او می‌خواهد همواره چشم به انتظار افزونی روزی و قوت خداوندی باشد. ایشان چنین می‌فرمایند :

باش در روزه شکیبا و مصر	دم به دم قوت خدا را منتظر
کان خدای خوب کار بردبار	هدیه‌ها را می‌دهد در انتظار
انتظار نان ندارد مرد سیر	که سبک آید وظیفه یا که دیر ...
هر گرسنه عاقبت قوتی بیافت	آفتاب دولتی بر وی بتافت
سر بر آور همچو کوهی ای سند	تا نخستین نور خور بر تو زند
کان سر کوه بلند مستقر	هست خورشید سحر را منتظر

(مثنوی، ۱۷۴۹/۵-۱۷۵۹)

هر چند روزه گرفتن از نظر انسان با سختی همراه است و باید گرسنگی را تحمل کرد ولی باید این را هم در مدّ نظر قرار داد که، بهترین وسیله برای جهاد با نفس، همین روزه است و آن محک و امتحانی است برای سنجش درجهٔ ایمان انسان، نسبت به خالق خود، باری تعالی. مولانا می‌فرماید :

لا شک این ترک هوا تلخی دهست	لیک از تلخی بعد حق بهست
گر جهاد و صوم سختست و خشن	لیک این بهتر ز بعد ممتحن
رنج کی ماند دمی که ذوالمنن	گویدت چونی تو ای رنجور من

(مثنوی، ۱۷۷۱/۶-۱۷۷۳)

سخن آخر ، آنکه مولانا در دیوان پرارج مثنوی، انسان را به سوی خوبیها و انجام اعمال نیکو و خدا پسندانه تشویق می‌نماید و برای شناساندن راه راست به سوی

نظری به جایگاه ماه مبارک رمضان و ایام روزه در دیوان مثنوی مولوی / ۱۳۷

تکامل بشریت، اشعاری زیبا می‌سراید که به دل عاشقان راه خداوندی، بنشیند. مطالب مورد بحث وی، از هماهنگی عقل و دل او در بیان مطالب، خبر می‌دهد. مطلب مورد بحث در این پژوهش، ماه مبارک رمضان و روزه است که در کلام نافذ و مؤثر مولوی دیده می‌شود. این مقوله اگرچه در دیوان مثنوی شاید در ابیات کمی مورد بحث واقع شده، اما چنان زیبا و استوار بیان گردیده که در دل هر خواننده‌ای تأثیری فراوان به جای می‌نهد. این در غزلیات پرشورش نیز صادق است. مولانا در غزلیات، با استفاده از وزن عروضی پرشور و آهنگین خاصی، توانسته از ذوق روانشناسانه خود استفاده کند و هر چه بهتر، ضرورت روزه و گرامی داشت ماه مبارک رمضان را به خواننده اشعارش یادآور گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشتها

۱- شرحی بر وصیت‌نامه مولانا، ص ۱۶۳.

۲- سلوک عارفان، ص ۱۵۳.

۳- جشن میهمانی خدا، ص ۳۰.

۴- غیاث اللغات، ذیل رمضان.

۵- همان روزه، ص ۲۳.

۶- همان روزه، ص ۵۷.

۷- جشن میهمانی خدا، ص ۱۱.

۸- احادیث و قصص منتهوی، ص ۹۱.

۹- بحار الانوار، ص ۲۵۵.

۱۰- سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۴۵.

۱۱- سلوک عارفان، ص ۱۴۸.

۱۲- کلیات شمس، ص ۲۳۷۵/۸۸۴.

۱۳- المفردات، ص ۱۷۷.

۱۴- سوانح مولوی، ص ۱۷۱.

۱۵- سلوک عارفان، ص ۱۵۰.

۱۶- مولوی و جهانبینی‌ها، ص ۳۹.

۱۷- قدرت سیاسی در اندیشه مولانا، ص ۲۳.

۱۸- روزه، ص ۴۳. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

نظری به جایگاه ماه مبارک رمضان و ایام روزه در دیوان مثنوی مولوی / ۱۳۹

منابع

- ۱- قرآن کریم، خط عثمان طه، ۱۳۸۳، سری اول، تهران، چاپ پنجم، انتشارات اسوه.
- ۲- اصفهانی، راغب؛ ۱۳۸۰، *المفردات اللفاظ قرآن*، تهران، چاپ اول، انتشارات الحوراء.
- ۳- تاجدینی، علی؛ ۱۳۸۰، *قدرت سیاسی در اندیشه مولانا*، تهران، چاپ اول، روزنامه سلام.
- ۴- جعفری، محمد تقی؛ ۱۳۷۹، *مولوی و جهان بینی ها*، تهران، چاپ اول، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- ۵- جعفری، مهدی؛ ۱۳۷۵، *جشن میهمانی خدا*، تهران، چاپ اول، انتشارات جلی.
- ۶- شبلی نعمانی، محمد؛ ۱۳۸۲، *زندگینامه مولانا جلال الدین (سوانح مولانا روم)*، تهران، چاپ اول، نشر علم.
- ۷- عرب، ابوالفتح؛ ۱۳۸۱، *شرحی بر وصیت نامه مولانا*، تهران، چاپ اول، انتشارات نسل نو اندیش.
- ۸- غیاث الدین رامپوری، محمد بن جلال الدین؛ ۱۳۷۵، *غیاث اللفات*، به اهتمام منصور ثروت، تهران، چاپ دوم، انتشارات امیر کبیر.
- ۹- فروزانفر، بدیع الزمان؛ ۱۳۸۱، *احادیث و قصص مثنوی*، ترجمه‌ی کامل و تنظیم مجدد حسین داودی، چاپ دوم، انتشارات امیر کبیر.
- ۱۰- قمی، عباس؛ ۱۳۷۵، *سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار*، ج ۱، مشهد، چاپ اول، انتشارات آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۱۱- مجلسی، محمدباقر؛ ۱۳۷۵، *بحار الانوار*، ج ۹۳، تهران، چاپ سوم، انتشارات اسلامیة.
- ۱۲- ملکی تبریزی، حاج میرزا جواد؛ ۱۳۷۸، *سلوک عارفان*، ترجمه‌ی مراقبات فی اعمال السنه، ترجمه‌ی سید جواد محمد راستگو، تهران، نشر سایه.

- ۱۳- موسوی راد لاهیجی، سید حسن؛ ۱۳۶۴، *روزه، درمان بیماریهای روح و جسم*، قم، چاپ نهم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه قم.
- ۱۴- مولوی، جلال‌الدین محمد؛ ۱۳۷۴، *گلیات دیوان شمس تبریزی*، تهران، چاپ یازدهم، انتشارات صفی‌علیشاه.
- ۱۵- _____؛ ۱۳۷۱، *مثنوی معنوی*، تصحیح رینولدالین نیکلسون، تهران، چاپ سوم، انتشارات بهزاد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی